

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سهیلا

۱۱ جولای ۲۰۲۱

مصاحبه برنامه چشم انداز تلویزیون حزب کمونیست ایران با رفیق سهیلا از چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با
“حکومت جمهوری اسلامی چرا به انتخابات نیاز دارد.” (*)

حکومت جمهوری اسلامی چرا به انتخابات نیاز دارد؟

کاک ووریا احمدی پرسشگر تلویزیون: رفیق سهیلا، اساسا انتخابات در جمهوری اسلامی چه خصوصیتی دارد؟
رفیق سهیلا: اساسا خصوصیت اصلی مضحکه ای که تحت نام انتخابات از طرف جمهوری اسلامی به مردم تحمیل می
شود، این است که اصلا انتخاباتی در کار نیست. انتخابات یعنی حق انتخاب داشتن. در حالیکه در جمهوری اسلامی،
شورای نگهبان از میان کسانی که کاندید شده اند چند نفر را دستچین می کند و بعد به مردم می گوید به اینها رأی بدهید.
خوب این که انتخابات نیست. در واقع انتخاب را شورای نگهبان کرده، که از سوی ولی فقیه تعیین شده، نه مردم. به
همین دلیل، مردم آگاه ما می دانند که درواقع این پروسه اصلا “انتخابات” (به آن معنایی که در دموکراسی نیم بند
بورژوازی، با آزادی بیان و آزادی تشکل و ... پیوند خورده) نیست و درواقع “انتصابات” دیکتاتورمابانه است، چون
که رئیس جمهور و دیگر عمال کلیدی دولت از قبل از انتخابات، توسط ولی فقیه و به اصطلاح “بیت رهبری” از میان
مهره هائی که جزو نزدیکترین افراد بیت رهبری هستند، تعیین میشوند و مجریان این خیمه شب بازی به اصطلاح
(انتخابات) کاری به این ندارند که در برگه های رأی چه نوشته شده است. آنها علیرغم اینکه برگه های رأی چه می
گویند، اسم فردی که قبلا توسط بیت رهبری تعیین شده را از صندوق رأی بیرون میآورند. این واقعیت را همه مردم آگاه
ایران میدانند. به عنوان مثال، کروبی که خودش سالها رئیس مجلس شورای اسلامی بود، گفته بود که “با اکثریت بالائی
جلو بودم، رفتم بخوابم، وقتی برگشتم، یک میلیون رأی هم عقب افتاده بودم!”. آره این واقعیت است.

البته لازم است اینجا تاکید کنم که این انتصابی بودن در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی، همیشه وجود داشته از اول
عمر این رژیم بوده و چیز تازه ای در جمهوری اسلامی نیست. اما خب، در این کشورهائی که ما زندگی می کنیم، در
این کشورهای غربی، در نیمچه-دموکراسی غربی اینطور نیست و طبقه حاکم در این کشورهای غربی حداقل این اجازه
را به رأی دهندگان می دهد که از میان مهره های طبقه استثمارگر حاکم، یکی را برای حکومت بر خود در دوره
معینی، بیابند و به او رأی دهند و انتخاب کنند. یعنی از میان “بدترین” ها، یک “بد” را انتخاب کنند. اما در جمهوری
اسلامی اینطور نیست و تکلیف اختلافات میان جناح ها -جناح های مختلف حکومتی- در صندوقهای رأی مشخص نمی
شود و در سطوح بالای رهبری یعنی بالاترین سطوح رهبری رژیم مشخص می شود. یعنی بیت رهبری و ولی فقیه

تصمیم می گیرد که کدام جناح برای حفظ منافع رژیم این بار بیاید سر کار. دیدیم که در انتخابات اخیر هم از همان بالا تصمیم گرفتند که حالا که اکثریت جامعه دیگر فریب اصلاح طلبی را نمی خورد، و اینها برایشان مثل یک مهره سوخته هستند پس وجود کاندید به اصطلاح “اصلاح طلبان” هم لازم نیست، همه کاندیداهای به اصطلاح “اصلاح طلب” را حذف کردند. چون دیگر نمی شود با آنها مردم را فریب داد.

بنابر این واقعیت این است که برای جمهوری اسلامی مهم نیست مردم به کی رأی می دهند. فقط برایش مهم است که عده ای را بکشاند پای صندوق های رأی و تعدادشان را چندین برابر اعلام کند و بگویند میلیون ها نفر آمدند رأی دادند و بعد اسم فردی را از صندوق ها می کشند بیرون که از قبل تعیین شده است. تنها هدفشان از این فریبکاری ها این است که در سطح بین الملل ادعا کنند که از حمایت مردمی برخوردارند. در داخل کشور هم قشر ناآگاه را که بخشی از جامعه هستند را تحمیق کرده و فریب می دهد که باور کنند که از طریق رأی دادن در جمهوری اسلامی میتوان کاری کرد.

پرسش: این حکومت، همه می دانیم که یک حکومت دیکتاتوری است و همانطور که شما خودتان هم گفتید، معلوم است که کی از صندوق های رأی بیرون میاید، و به طور واقعی انسان هائی که رأی می دهند مهم نیستند و رأی هائی هم که داده می شود حتی شمارش نمی شوند و اگر شمارش هم بشوند، خود حکومت، خیلی هدفمند (به نفع خودش) درستش می کند. خب اگر اینطور است، رژیم چه احتیاجی به انتخابات دارد؟

پاسخ: بله، دقیقاً، سؤال خوبیه. این سؤال پیش میاد که آدم تعجب می کند خوب چرا دیکتاتور ها انتخابات راه می اندازند، وقتی که نتیجه انتخابات از قبل از انتخابات معلومه؟ خب، هدف از برگزاری این خیمه شب بازی ها این است که جمهوری اسلامی با تکیه به این خیمه شب بازی ها، خودش را حاصل رأی مردم جا می زند و برای خودش مشروعیت مردمی دست و پا می کند. البته، برگزاری انتخابات نمایشی در دیکتاتوری های وابسته تنها خصیصه این جمهوری اسلامی نیست. همین “بشار اسد” مزدور هم اخیراً اعلام کرد که در جریان باصلاح انتخابات در سوریه ۹۸ درصد مردم به او رأی دادند. یعنی ۹۸ درصد این مردم تحت ستم در سوریه به یک قاتل شناخته شده رأی داده اند. بنابر این، هدف دستگاه تبلیغاتی دیکتاتوری حاکم در کشورهای مثل ایران و کشورهای دیکتاتوری منطقه این است که با استفاده از مفهوم “دموکراتیک” ای که به کلمه “انتخابات” در تاریخ دموکراسی غربی پیوند خورده، می آیند از آن استفاده می کنند و به خیال خودشان در سطح بین الملل کسب مشروعیت می کنند و خود را دارای پایگاه توده ای معرفی می کنند، و در داخل کشور هم برای ناآگاهان وانمود کنند که انتخابات (و نه انقلاب) راه چاره ای برای مشکلات مردم است. اهداف برگزاری چنین مضحکه هائی در کشورهای دیکتاتوری این است، که هم اینکه به خیال خودشان، مشروعیت (برای خودشان) در خارج از کشور ایجاد کنند و هم اینکه بخشی از مردم (ناآگاه) کشور را به این باور برسانند که مثلاً دست از انقلاب بردارید و می توانید از این طرق (انتخابات و ...) مشکلاتتان را رفع کنید. معمولاً (رژیم) برای رسیدن به این اهدافش، یعنی کسب مشروعیت در خارج و فریب توده ها در داخل، دو هدف واقعی را دنبال می کند: اولاً میزان مشارکت مردم را بالا نشان می دهد. یعنی تعداد افرادی که رأی داده اند را چندین برابر (بیشتر از میزان واقعی) اعلام می کند. دوماً تعداد رأی هائی را که به فردی که از قبل انتخاب شده داده شده را خیلی بیشتر از واقعیت اعلام می کند. در واقع برای دیکتاتوری مهم نیست که رأی دهندگان به طور واقعی روی برگه ها چی نوشتند. چون دیکتاتوری اسم فردی که خودش می خواهد را اعلام می کند. و حتی برایشان هم مهم نیست که واقعا چند نفر بروند و به کی رأی بدهند، آنها خودشان آمار را بیشتر نشان خواهند داد. همین “کروبی” که قبلاً مثال زدیم می گفت که آمارها را همیشه سه برابر

می کنند. یا به طور مثال، موسوی گفت که بر اساس اطلاع وزارت کشور، او با فاصله زیادی انتخابات را برده بود، اما دستگاه ولی فقیه، احمدی نژاد منفور را برنده انتخابات معرفی کرد. خودشان این اطلاعات (مربوط به تقلب) را لو داده اند.

درواقع، تظاهر به مشروعیت یک حکومت وابسته به امپریالیسم، هم برای خود آن حکومت مهم است و هم برای اربابان امپریالیستش که آن را به حکومت رسانده و از سلطه اش به نفع خودشان سود می برند، خیلی اهمیت دارد. برای امپریالیست ها خیلی مهم است که برای افکار عمومی جهان تظاهر کنند که نقشی در نگه داشتن این دیکتاتوری ها در قدرت ندارند. به عنوان مثال آمریکا نمی آید علنی اعلام کند که هر بار که مردم ایران برخاستند تا این رژیم را سرنگون کنند، امپریالیسم آمریکا به نجات جمهوری اسلامی برخاست. آمریکا، میآد آمار ساختگی جمهوری اسلامی را منتشر می کند، با اینکه دولت و دستگاه های اطلاعاتی ایران و دستگاه اطلاعاتی امپریالیست ها به خوبی می دانند که اکثریت جامعه ایران سرنگونی رژیم را می خواهند، اما آمار تقلبی را منتشر می کنند و ادعا می کنند که خود مردم ایران این رژیم را می خواهند. بخشی از جامعه را نیز تحمق کرده و تبلیغ می کنند که اصلاً خودتان این رژیم را انتخاب کردید و هر سال هم می روید پای صندوق های رأی و یکی از جنایتکارانش را به عنوان ارباب انتخاب می کنید. و این کار، خودش یک نوع ایجاد مانع سر راه آگاهی جامعه و ایجاد مانع بر سر راه انقلاب ضروری مردم است، تا این شرایط عوض شود.

پرسش: مسلم است که جمهوری اسلامی مورد حمایت قدرت های بزرگ است و بدون حمایت مطلق آنها، نمی شود سر پا نگه داشته شود. ما می دانیم که چقدر در ایران مبارزه شده و چقدر از بیرون از ایران، چقدر حمایت ها از ایران شده، این واقعیت به جای خودش. خودتان می دانید که مردم ایران در طول این چهل سال، هر چند سال یکبار نمایش انتخاباتی را تجربه کرده اند، برخورد مردم با انتخابات در جمهوری اسلامی تاکنون، از نظر شما چگونه بوده است؟

پاسخ: برای پاسخ دادن به این سؤال، اول روی این کلمه “مردم” مکث کنیم. می دانیم که مردم جامعه از اقشار و طبقات گوناگونی تشکیل می شوند. در نتیجه، این اقشار و طبقات دارای افکار و نظرات و دیدگاه های گوناگون هستند و چشم اندازهای گوناگونی برای زندگی خودشان می بینند. در نتیجه، عکس العمل آنها در برخورد با هر واقعه ای، بر اساس آن اختلافات فکری آنان مشخص می شود و متفاوت است. اما عکس العمل مردم “آگاه” جامعه و برخوردشان با این نمایشات انتصاباتی (انتخاباتی) این بوده که ارزشی برای مضحکه انتصاباتی رژیم قایل نیستند و انتخاب اصلی آنان سرنگونی رژیم است. مردم آگاه همیشه انتخابات را تحریم کرده اند. حتی زمانی که “گیج فکرهای” روشنفکرانما گول رژیم و بازی های انتخاباتی اش را خورده اند، این مردم آگاه حتی از انتصابات هم برای ایجاد فضائی مبارزاتی علیه این رژیم استفاده کرده اند. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۸ دیدیم که برخورد مردم با مضحکه انتصابات این بود که آن خیمه شب بازی را تبدیل کردند به بهانه ای برای به راه انداختن یک خیزش انقلابی خودجوش بسیار عظیم و تاریخی علیه رژیم. امروز هم این مردم آگاه در کلیپ هایی که تاکنون در فضاهای مجازی پخش شده، بارها با صراحت از تحریم مضحکه انتصابات ۱۴۰۰ سخن گفته اند. برای نمونه، مادران جانبختگان قیام آبان ماه، بارها این موضع را با شجاعت اعلام کرده اند و گفته اند که انتخابات را تحریم می کنند. البته همیشه به جز دشمنان مردم که پای صندوق های رأی می روند، یک عده ای هم -بالاخره در این جامعه هستند که- از روی ناآگاهی یا ترس، فریب رژیم را خورده و

پای صندوق های رأی می روند. اما تعداد ناآگاهان هر بار کمتر و کمتر شده است. بنابراین، عکس العمل اصلی مردم آگاه جامعه ما همیشه تحریم انتخابات جمهوری اسلامی و بازی های رژیم بوده است.

پرسش: بله، اینکه مردم قاعدتا نباید در این نمایش و مضحکه انتصاباتی جمهوری اسلامی شرکت بکنند و تجربه اش می کنند که از طریق انتخابات قربانی بودن خودشان را تائید کرده اند و با تمام جنایاتی که جمهوری اسلامی انجام داده را بالاخره از طریق انتخابات، آنهایکه تعدادشان هم چقدر است رفتن و این را تائید کردند با مهر خودشان، می خواستم این را ببرسم ازتان با اینکه از دور معلوم است که جمهوری اسلامی نتیجه انتخاباتش چه هست چرا مردم و یا کارگران نباید در این انتخابات شرکت کنند؟

پاسخ: اولاً این مضحکه ی انتخابات در واقع توهین به شعور مردم مبارز و آگاه این کشور می باشد. یعنی به این مردم که در هر مناسبتی به خصوص در قیام دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ در کف خیابان فریاد سرنگونی جمهوری اسلامی را سر داده اند، گفته می شود خوب به این مردمی که فریاد می زنند ما جمهوری اسلامی را نمی خواهیم بهشون می گویند که بیایند به کسانی که ما (رژیم) از قبل انتخاب کرده ایم رای بدهید تا شما را سرکوب و چپاول کنند و به جرم اعتراضات، شما را به قتل برسانند. خب، این خودش تحقیر مردم است و به همین دلیل هم مردم باید با تحریم این نمایش، توی دهان ولی فقیه زده و نشان دهند که خود حکومت و ولی فقیه حقیر و بی همه چیز است. از طرف دیگر هم، خاصیت دیگری که تحریم انتخابات توسط مردم دارد این است که وقتی که این رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی با این نمایش انتصاباتی قصد دارد که خودش را دارای پایگاه مردمی جا بزند، خب چرا باید در این نمایش مسخره شرکت کرد؟ اتفاقاً پاسخ مردم ما به همین دلیل باید عدم شرکت در این نمایش باشد که نشان بدهند که این رژیم فاقد پایگاه مردمی است. و دیکتاتوری پایگاهی بین مردم ندارد و مهمتر از این یک خاصیت دیگر تحریم هم این است که تحریم انتخابات یکی از راه هایی است که مردم آگاه می توانند روحیه و اتحاد انقلابی جمعی اشان را به نفع مبارزات آینده اشان، افزایش داده و حفظ و تقویت کنند. تحریم انقلابی انتخابات دشمن، خودش یک قدم انقلابی است به سمت افزایش آن جو و روحیه انقلابی در جامعه. چون که هر حرکت متحدانه و جمعی و انقلابی توده های مردم، از جمله تحریم انتخابات، موجب تضعیف روحیه دشمن و نیروهای سرکوبگرش نیز می شود. در ضمن فراموش نکنیم که وقتی که جنایتکاران حاکم یعنی قاتلان نداها و ستار بهشتی ها و نوید افکاری ها، هر روز به هر ترفندی متوسل می شوند که مردم را پای صندوق های مارگیری خود بیاورند، طبیعی است که مخالفین رژیم هم باید بکوشند به این ترفندها تن ندهند و جلوی رژیم زانو نزنند.

پرسش: می خواهم سؤالی در مورد زنان ببرسم. شما علاوه بر اینکه فعال سیاسی هستید، فعال عرصه جنبش زنان هم هستید. جمهوری اسلامی از یک طرف به زنان حق رای می دهد و زنان را تشویق به شرکت در انتخابات میکند و همزمان، زن را یک موجود ضعیفه می داند، یک موجودی که فقط خاصیتش این است که مردها از او مراقبت کنند، و زن فقط بچه به دنیا بیاورد، این تناقض را شما چگونه می بینید؟ یعنی چرا جمهوری اسلامی به موجودی که از نظر حکومت، و اصلاً از نظر قانونی زیر سؤال هست و در دادگاه هم کاملاً به عنوان شاهد حساب نمی شود (الان نمی دانم چگونه است، اما قبلاً در دادگاه های جمهوری اسلامی دو زن و یک مرد، طبق شرع اسلام، مجموعاً دو نفر حساب می شدند) با توجه به این واقعیت، چرا به زنان حق رای می دهند؟

پاسخ: این سؤال جالبی است. در واقع شما می پرسید که چطور رژیمی که قانونا برای زنان حق رئیس جمهور شدن قائل نیست، به آنها می گوید که به رأی آنها برای اینکه کدام مردی رئیس جمهور شود، احتیاج دارد. قبلا گفتیم که این نمایش یک وسیله ای برای تحقیر مردم است و همین موردی که شما گفتید، نشان می دهد که آنها چگونه زنان این کشور را تحقیر می کنند. اتفاقا زنان جامعه باید با عدم شرکت در این بازی مسخره، نشان بدهند که برای هیچ یک از قوانین دیکتاتوری حاکم، ارزشی قائل نیستند. آنان باید همچون مادران جانبختگان قیام آبان، این نمایشات رژیم را تحریم کنند. اساساً حق رأی دادن به زنان، مانند برگزار کردن خود انتخابات فرمایشی، یکی از فریبکاری های رژیم های دیکتاتوری برای تظاهر به وجود دموکراسی در شرایط دیکتاتوری است. رژیم از این طریق، مثلاً حق رأی دادن به زنان و از این فریبکاری ها و برگزار کردن انتخابات، در واقع اقشار ناآگاه زنان را فریب می دهد که تصور کنند که این رژیم که به زنان حق رأی داده و انتخابات برگزار می کند، پس راهی برای بهتر کردن وضعیت زنان ایجاد کرده و زنان نیازی به شرکت در انقلاب توده های مردم به رهبری طبقه کارگر ندارند. یک عده از زنانی که جزو عمال رژیم هستند در این تلاش رژیم برای تحمیل اقشار ناآگاه زنان، نقش اساسی دارند. یعنی در واقع این باور را برجماعه گسترش دهند که گوئی خواسته های زنان در همین رژیم امکان پذیر است و شما نیازی نیست انقلاب کنید به همین خاطر هم زنان آگاه و مبارز این جامعه باید تا می توانند، بر عدم حضور زنان در چنین نمایشاتی تأکید کنند.

پرسش: اگر زنان باید بر این امر تأکید کنند، سؤال بعدی این است که زنان چگونه با این امر برخورد کرده اند. اگر به عنوان مثال شما یک زن کورد باشید، اهل تسنن هم باشید، چندین ستم را متحمل می شوید. ستم ملی را باید متحمل شوید چون کورد هستید، ستم مذهبی را باید متحمل شوید چون اهل تسنن هستید و ستم جنسیتی را هم باید متحمل شوید چون زن هستید. هرچند که این ستم جنسیتی در دیگر اقشار جامعه یکسان است. حال این سؤال پیش میاید که برخورد زنان ایران (با انتخابات) چه بوده؟ و آیا اینکه می گویند انقلاب باید زنانه باشد، آیا واقعا این درست است؟

پاسخ: بحث “انقلاب زنانه” بحث جداگانه ای است که در یک موقعیت مناسبتر باید به آن بپردازیم. به نظر من “انقلاب زنانه” وجود ندارد. “انقلاب” کار توده های مردم تحت ستم در یک جامعه است، به رهبری طبقه کارگر. انقلابی که ما به عنوان کمونیست معتقدیم که برای اینکه انقلاب پیروز بشود باید به رهبری طبقه کارگر باشد. و زنان از مردها جدا نیستند. همانقدر که مردهای طبقه کارگر (آگاه) مبارزه می کنند و نقش رهبری انقلاب اجتماعی را به عهده دارند، زنان (آگاه) طبقه کارگر نیز در کنارشان هستند و حتی گاهی (به خاطر آنچه که شما به آن اشاره کردید که چندین ستم به زنان می شود (ستم مضاعف) زنان گاهی اوقات در مبارزه جلوتر از مردهای کارگر هم بوده اند. ما در خیزش های انقلابی کردستان علیه جمهوری اسلامی نیز دیدیم که زنان قهرمان کوردستان، زنان پیشمرگه و آگاه چطور (علیه جمهوری اسلامی) مبارزه کردند. به هر حال پاسخ زنان آگاه این جامعه همیشه این بوده که نه تنها در کنار مردان بلکه جلودار هم بوده اند.

در مورد انتخابات ۱۴۰۰ باید منتظر گزارشاتی باشیم که در رابطه با مراکز رأی گیری منتشر خواهد شد. اما به طور کلی ما می توانیم ببینیم پاسخ زنان و مردان آگاه چی بوده است اما بطور کلی ما می توانیم در این رابطه یک چیزی را ببینیم که در مورد انتخابات بطور کلی در زیر سایه دیکتاتوری ولی فقیه، با قاطعیت می توان گفت که زنان آگاه طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه نیز مانند مردهای آگاه، در تحریم انتخابات و در مبارزه برای برچیدن کل بساط این رژیم، فعال بوده و خواهند بود. مسلماً زنان آگاه، بخصوص زنان آگاه اقشار فرودست جامعه و بخصوص زنان آگاه خلق های تحت ستم می دانند که با زانو زدن در مقابل دژخیم، نمی شود نان و آزادی به دست آورد، آنها (بخصوص زنان

خلق های تحت ستم کرد، عرب، آذربایجان و گوشه و کنار ایران) به خوبی می دانند که نه نان و نه کمترین آزادی ها و حقوق زنان، نظیر حق دستمزد برابر و حقوق اجتماعی برابر و یا انتخاب آزادانه پوشش را نمی توان اینطور (با زانو زدن در مقابل دژخیم) به دست آورد، بلکه برای کسب هر یک از این حقوق اساسی باید انقلاب کنند و این را بخوبی زنان آگاه جامعه ما می دانند و که باید انقلاب کنند و کلیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را براندازند. ما در رابطه با آگاهی زنان در رابطه با ضرورت مبارزه، مثال های بی شماری را می بینیم. به عنوان مثال، چند روز پیش خواندم که زنان یکی از روستاهای اردبیل برای دومین بار در دو ماه گذشته با بستن جاده، به عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و لوله کشی در روستایشان، اعتراض کرده اند. این یک نمونه از سطح بالای آگاهی زنان و حرکت های مبارزاتی آنها است. و اساساً دست زدن به چنین حرکت های اعتراضی جمعی (به عنوان مثال توسط زنان آن روستا) استحکام شخصیتی و آگاهی و عزم مبارزاتی فردی و جمعی این مردم در مبارزه با دشمنانشان را نشان می دهد. در چنین جامعه ای که نیروهای اجتماعی اش در مبارزه با دیکتاتوری رشد کرده، هرگز تصور نمی شود که این رژیم دیکتاتور که آب آشامیدنی را که اولین حق بشر و اولین نیاز بشر برای زنده ماندن است را از این مردم گرفته، بیاید حق مشارکت آزادانه سیاسی به آنها بدهد. زنان آگاه مسلماً این را میفهمند و می گویند: رژیمی که آب آشامیدنی سالم را از ما دریغ کرده، چطور حق مشارکت سیاسی و حق انتخاب واقعی به ما می دهد؟ مسلم است که این انتخابات نیست و یک فریب برای تظاهر به داشتن پایگاه مردمی و مشروعیت است. این یک بازی است و پاسخ زنان آگاه جامعه به رژیم این بوده که ما دست شما را می خوانیم، شما دیکتاتور هستید و تنها راه رسیدن زنان (و مردها) برای رسیدن به نان و آزادی، یک انقلاب پیروزمند است.

پرسش: رفیق سهیلا، به عنوان آخرین سوال، می دانیم که فضای انتخابات امروز تمام می شود. چیزی که باقی می ماند در زندگی کارگران و زحمتکشان ایران، همین بی آبی است (که شما به آن اشاره کردید) و همین بی حقوقی، ستم ملیتی، ستم بر زنان، کار شاقی که به کودکان تحمیل شده، و خشونت علیه زنان در محل کار و خانه و ... و اعدام و شکنجه ... و وضعیت فلاکتبار موجود در جامعه ایران است. ارزیابی شما در مورد وضعیت مبارزاتی، سیاسی بخصوص مبارزات کارگری و بخصوص جنبش زنان چیست؟

پاسخ: دقیقاً همانطور که توضیح دادید، در این چهل و دو سال، واقعاً کمر مردم زیر بار فقر و گرانی و تورم و بیکاری و شرایط ناشی از کرونا (که این شرایط را برای مردم چندین برابر ناگوارتر کرده) شکسته شده است. در حرکت های مبارزاتی مردم، در جنبش ها و خیزش های انقلابی مردم دیدیم که این مردم که هر روز جانشان را کف دست گذاشته و در خیابان ها علیه رژیم مبارزه می کنند، این مردم به خوبی می دانند که برای ایجاد یک زندگی سالم، برای خلاص شدن از وضعیت موجود، چاره ای جز مبارزه انقلابی برای سرنگون کردن این رژیم ندارند. در عمل هم، این واقعیت را مردم نشان داده اند و هر زمان که فرصتی برای مبارزه داشتند، دست به مبارزه علیه رژیم زدند، مبارزه کردند. و رأی و انتخاب واقعی خود را هر روز در خیابان ها بیان کردند. پتانسیل انقلابی در جامعه و در میان توده های آگاه وجود دارد. و این مسلم است و در واقع زنان و مردان آگاه برایشان اصلاً مطرح نیست که کی به ریاست جمهوری منصوب می شود. و این روزها هم همه جا فریاد می کشند که “رأی بی رأی” چرا که ماهیت مضحکه های انتخاباتی جمهوری اسلامی را به عینه درک کرده اند. درواقع خواست مردم و انتخاب مردم، سرنگونی این رژیم است. و واقعیت این است که تلاش رژیم دیکتاتور برای کسب مشروعیت از طریق این فریبکاری و راه انداختن این مضحکه انتخابات، در مقابل قدرت یک جامعه واقعا آگاه انقلابی، بی تاثیر خواهد بود. تلاش دیکتاتوری در مقابل یک جامعه آگاه، یک

جامعه انقلابی بی تاثیر است. قدرت توده های آگاه انقلابی خیلی بیشتر از این چیزهاست. مهمتر از همه این است که هر کس روی کار بیاید، واقعا مردم می دانند که تغییری در ماهیت جمهوری اسلامی ایجاد نمی کند. همه این چپاول ها و دزدی ها و استثمار وحشیانه کارگران ادامه خواهد یافت و کارگران و زحمتکشان هر چه بیشتر به مرداب فقر و فلاکت سوق داده خواهند شد. این واقعیتی است که در دوره ریاست جمهوری روحانی شاهد بودیم و دیدیم که چقدر این وضعیت فلاکتبار زندگی مردم تشدید شد. واقعیت این است که مردم می دانند که در جمهوری اسلامی هیچ جناح و دسته ای و هیچ فردی کوچکترین راه حلی برای معضلات مردم ندارد. هرکس که میاید (هر فردی که بر مسند قدرت نشاند می شود) به فکر چپاول بیشتر مردم و پیشبرد سیاست های امپریالیسم در منطقه می باشد. و این اهداف، بدون شک خشم و نفرت مردم را افزایش خواهد داد. زنان کشورمان وقتی می بینند که قادر به سیر کردن شکم کودکانشان نیستند، کارگرانی که می بینند چند ماه حقوق آنها پرداخت نشده و حتی نمی توانند نان خالی سر سفره خانواده ببرند، به عینه می بینند که چاره ای جز این ندارند که به اعتراض برخیزند و بخواهند خاست. مسأله مهم این است که کارگران و زحمتکشان آگاه و زنان مبارز، باید تا می توانند، خود را سازمان دهند. چون که مانعی که سر راه انقلاب قرار دارد، این نیست که مردم ضرورت انقلاب را نمی دانند. مانعی که سر راه انقلاب پیروزمند قرار دارد، عدم وجود رهبری و عدم سازماندهی است. چون که می دانیم که تنها یک نیروی سازمان یافته، یک جامعه ی سازمان یافته، یک طبقه کارگر آگاه و سازمان یافته می تواند در آینده، یک انقلاب پیروزمند را به پیش ببرد. به همین خاطر است که چریکهای فدائی خلق همواره بر امر تشکل و تسلیح تاکید کرده اند و توضیح داده اند که چگونه پیروزی طبقه کارگر آگاه، زنان آگاه و کل جامعه، در گروی این است که مردم انقلابی ایران متشکل شده و مسلحانه، انقلاب پیروزمندی را علیه این دیکتاتوری، برای خلاص شدن از این شرایط فلاکتبار به پیش ببرند.

کاک ووریا پرسشگر تلویزیون: خیلی ممنون رفیق سهیلا. خسته نباشید. تشکر که در این برنامه شرکت کردید. رفیق سهیلا: خیلی ممنون. تشکر از شما کاک ووریا و رفقای دیگر در حزب کمونیست ایران. موفق باشید.

زیرنویس:

(*) این متن، شکل نوشتاری تصحیح شده مصاحبه ای است که در تاریخ ۲۸ خرداد [جوزا] ۱۴۰۰ برابر با ۱۸ جون ۲۰۲۱ در برنامه "چشم انداز" با تلویزیون "حزب کمونیست ایران" صورت گرفته و ویدیوی آن را می توانید از

طریق لینک زیر در یوتیوب مشاهده کنید: https://youtu.be/22x0FjBi9_o